

اعتصاب و مبارزه کارگران پریس سنندج، تجربه ای متفاوت!

متناسب با توان و قدرت دو طرف این کشمکش است. تا همچا میشود نگاهی به این تجربه انداخت و درس های بسیار و بعضا متفاوتی را از آن گرفت.



امیر اسفندیاری مانند هر کارخانه دار دیگری در تلاش برای استفاده تمام و کمال از شرایط مناسبی که قانون



اسد کلچینی

از ۲۸ مرداد ۸۵ تا ۴ شهریور کارگران کارخانه پریس سنندج بعد از ماه ها کشمکش بر سر شرایط کاری که کارفرما در صدد تحمیل آن به کارگران بود اعتصاب و تجمع فعالی را سازمان دادند. ۴ شهریور نیروهای امنیتی و انتظامی به پیکت کارگران حمله کرد و آنها را از محل تجمع پراکنده کرد. اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد و در اشکال دیگری این کشمکش در جریان است. نتایج مذاکرات می رود که قطعی شود، نتایجی که بدست میاید منطقا

به مردم شهرهای کردستان ایران برای درهم شکستن سلطه اختناق به میدان بیایید!



حسین مراد بیگی (جمه سور)

کارگران، زنان، جوانان!

آینده نزدیکی آن را به جوانان در سطح شهرها، دانشگاهها و مدارس و فعالین و معترضین سیاسی نیز گسترش خواهد داد. پوشش جمهوری اسلامی برای این تعرض گام به گام، استفاده از جنگ و فضای جنگی است. هنوز جنگی در میان نیست اما فضای جنگی بر ایران حاکم است. جمهوری اسلامی به چنین فضای جنگی ای نیاز دارد. برای اینکه به بهانه فضای جنگی میتواند شرایط را اضطراری اعلام کند. برای اینکه فضای جنگی و شرایط

جمهوری اسلامی تعرض سازمان یافته و گام به گامی را به آزادی، به معیشت مردم و بخصوص طبقه کارگر و به حقوق زن در ایران سازمان داده و از آنچه که پیداست در

به اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او)



شدگان در دست نیست. به این وسیله از اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او) میخواستیم که جمهوری اسلامی محکوم بخاطر عمل وحشیانه محکوم نموده ، آنها را به رعایت حقوق کارگران و آزادی دستگیر شدگان تحت فشار قرار دهند. (ال او) همیشه در دفاع از کارگران ایران مخصوصا کارگران اول ماه مه شهر سفر نقش مهمی داشته است.

۲۸ اگوست ۲۰۰۶
با تشکر
مریم افراسیابپور
نماینده مردم در شهرداری
وسترس
مسئول کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان

کارگران کارخانه پریس سنندج به خاطر دفاع از آزادی و امنیت شغلی مورد حمله و بلزداشت شدن، قرار گرفتند! کارگران کارخانه پریس در سنندج که یکی از شهرهای کردستان ایران میباشد در تاریخ 19 اگوست 2006 در مخالفت با قوانین کارفرما و برای امنیت شغلی ، جلوگیری از اخراج نماینده کارگران ، منع قرارداد های موقت و تعهد 2 میلیون تومان دست به اعتصاب زدند. در تاریخ 26 اگوست کارگران اعتصابی و خانواده هایشان مورد حمله وحشیانه نیرو های انتظامی و پلیس رژیم اسلامی قرار گرفتن و تعدادی از آنها بازداشت شدند و هنوز هیچ گونه خبری از وضعیت بازداشت

در صفحات دیگر این شماره

اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی

واحد ۲۰۲ گارد آزادی در شهر مریوان!

بمباران و کشتار مردم دامنه کوه قندیل، پرده دیگر از جنایت رژیم اسلامی!



امیره دادگستر قربانی ارتجاع و مردسالاری شد!

قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ از جمله رویداد های تاریخی مهمی است که باید نسل به نسل در اذهان تاریخی جامعه بیاد بماند، واقعه ای که زنده نگاهداشتن و یاد کردن از آن، نه تنها برای قربانیان آن واقعه و همه قربانیان قبل و بعد از آن، نه تنها به خاطر بازماندگان آن هالوکاست، که برای بشریت، ضروری است و درس های آموزنده دارد.



کنگره اول حزب حکمتیست در ۲۱ و ۲۲ ماه اکتبر برگزار میشود، در کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست شرکت کنید!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

به مردم شهرهای کردستان... از ص ۱

اضطراری مردم را در حالت انتظار نگه میدارد. در چنین شرایطی مردم منتظر رویدادهای غیر منتظره میمانند. احساس ناامنی میکنند و نسبت به آینده بدبین و نا امید میشوند. جمهوری اسلامی از این جو و فضا گام به گام دارد برای گسترش سلطه اختناق اسلامی از طرفی و از طرف دیگر سازمان دادن یورش هم جاذبه ای به زندگی مردم و بویژه طبقه کارگر استفاده میکند. به این هدف که از این طریق سود سرمایه را تضمین کند، سلطه خود را تحکیم کرده و خود را برای مدت طولانی ای از خطر سرنگونی نجات دهد. به این هدف مانوری جنگی نامحدود اعلام میکند. میگیرد، می بندد، یک جایی یکی را آزاد میکند و عقب می نشیند، میزان حساسیت و تقابل مردم را در

مقابل خود می سنجد و دوباره حمله میکند.

به خانه های مردم برای برچین ماهواره ها وحشیانه هجوم میبرند. با خوشحالی اعلام میکنند که فلان عدد ماهواره را در عرض یک هفته در هم کوبیده اند. خوشحالی سران جمهوری اسلامی واضح است از بابت در هم کوبیدن چند عدد آهن سرد و بی روح نیست، از بابت هر درجه از سلطه اختناق به ازاء انهدام هر تعداد ماهواره است. میدانند حمله به ماهواره حمله به آزادی مردم است برای اینکه مردم میخواهد صدائی جز صدای جمهوری اسلامی را بشنوند و جمهوری اسلامی با انهدام ماهواره این آزادی را از مردم سلب میکند. به معیشت طبقه کارگر با برنامه خصوصی سازی ها که در تدارک آنند و هم اکنون با کاهش دستمزدها، اخراج و بیکارسازیها و قراردادهای موقت تعرض

میکند. جدینترین نمونه آن حمله وحشیانه و ضرب و شتم کارگران و خانواده کارگران پرریس شهر سنندج است که خبر آن در رسانه های بین المللی نیز انعکاس یافت. با تهدید به سهمیه بندی بنزین، با حذف سوبسیدها و گران کردن قیمت بنزین که قیمت همه نیازهای زندگی روزانه مردم را بسرعت بالا خواهد برد دارند نقشه پائین آوردن معیشت طبقه کارگر و کل مردم محروم را میکشند. با درست کردن کد لباس دارند تعرض دیگری را به زن و حقوق زن در جامعه سازمان میدهند. روزنامه های بیشتری را توقیف میکنند. به بهانه های مختلف سراغ زندانیان سیاسی آزاده شده میروند. از ایجاد نمازخانه ها در مدارس و آنچه که پیداست با باز شدن دانشگاهها و مدارس نیز در تدارک سازمان دادن تعرض دیگری به نسل جوان و فعالین و معترضین سیاسی در

ایران هستند.

مردم آزاده!

تعرض جمهوری اسلامی به آزادی و به معیشت مردم و طبقه کارگر را باید در هم شکست. حزب حکمتیست مصمم است که دفاع در مقابل سلطه اختناق را سازمان دهد، مقاومت در مقابل یورش به زندگی مردم و طبقه کارگر را سازمان دهد. مقاومت در مقابل برچین ماهواره ها را سازمان دهد و آن را به شکست بکشانند. مبارزه و اعتراض همه کسانی برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکنند به هم مربوط است، از هم دیگر جدا نیست. مبارزه برای و برچین سلطه اختناق از مبارزه و دفاع طبقه کارگر برای عقب زدن یورش جمهوری اسلامی به معیشت روزانه اش جدا نیست. همینطور مبارزه برای آزادی زن و دفاع از حقوق زن بخشی

از مبارزه طبقه کارگر و بدون دفاع این نو از همدیگر این مبارزه علیه جمهوری اسلامی پیش نمیرود. همانطور کسی که برای آزادی مبارزه میکند بدون دفاع از مبارزه طبقه کارگر و از مبارزه برای آزادی امر مبارزه برای آزادی به پیش نمیرود. دست بست هم بدهیم، علیه جمهوری اسلامی و برای عقب زدن سلطه اختناق و یورش به زندگی مردم و بویژه طبقه کارگر متحد شویم این دوره آرمایش مهمی است برای ما و همچنین برای کسانی که به فراخوان ما پاسخ میدهند. کمیته کردستان حزب حکمتیست کارگران، زنان و جوانان را برای در هم شکستن سلطه اختناق و یورش به حقوق زن و یه معیشت طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه فرامیخواند.

اعتصاب و مبارزه کارگران پرریس... از ص ۱

مدتی کوتاه تحمل کند. بهزاد سهرابی یکی از نمایندگان کارگران این کارخانه مورد حمله شخصی او قرار گرفت به این دلیل که او بر این شرایط بردگی معترض بود. کارگران میدانند اگر این شرایط به آنها تحمیل شود هیچ امنیت شغلی نخواهند داشت و به این دلیل اعلام اعتصاب کردند و تقریباً یک پارچه به این اقدام دست زدند. کارفرما، ادراخ کار و نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم در صدد پایان دادن به اعتصاب و تجمع کارگران بارها به آنها اعلام کردند که اگر کارگران معترض را از خود دور کنند و اجازه بدهند آنها اخراج شوند میتوانند با شرایط بهتری به کار ادامه بدهند. کارگران میدانستند که همه اینها دروغ است. کارفرما بهزاد سهرابی و طیب چتانی و امثالهم را اخراج میکند و بعداً آنها را هم خاموش خواهد کرد. اعتصاب کارگران پرریس دیگر در سطح شهر و در یمن

فعالین کارگری در ایران پیچیده بود و برای همه این امیدوار کننده بود که کارخانه ای در رگوشه ای در برابر کارفرما و شرایط بردگی قرار داد موقت قد علم کرده است. حمایت های مختلفی از جمع ها و فعالین کارگری و بعضاً کارگران شروع شده و در سنندج جنب و جوش خوبی بوجود آمد. همسر و فرزندان کارگران به یاری آنها شناختند و قهرمانانه شریز جمع و اعتصاب را با آنها شریک شدند. بسیاری از اعتصاب و تجمع کارگران با خبر بودند و هر کسی به فکر کاری بر آمد. کارفرما و رژیم به شاه کلید وزارت اطلاعات دست برد و این خبر را پخش کرد که " کارگران از نیروهای سیاسی کمک دریافت میکنند" و آشکار بود که تصمیم گرفته اند که به سرکوب کارگران بپردازند. کارگران تصمیم به کشاندن تجمع و اعتراضان به میان مردم شدند و در تماس بیشتری با مردم قرار گرفتند. این تصمیم هر چند دیر گرفته شد اما بسیار بجا و حیاتی بود. روز ۴

شهریور تحمل کارفرما و نیروهای امنیتی مزدور به پایان رسید و وحشیانه به کارگران و همسران آنها حمله کردند و آنها را پراکنده کردند. بیش از نیمی از کارگران توانستند همدیگر را علیرغم خستگی، ناامیدی و نگرانی های موجود ببینند و تصمیم به برگزاری مجمع عمومی بکنند و تصمیم به نحوه ادامه اعتصاب و پیگیری خواستهها بگیرند و مذاکرات خود را با اداره کار و کارفرما دنبال کنند.

خواست های کارگران و شاه کلید مساله

خواست های کارگران مبنی بر اینها اساساً: ۱- قراردادها باید در ۴ برگ تنظیم شود. ۲- تشکیل تشکل کارگری ۳- تشکیل کمیته انضباطی زیر نظر کمیته کارگری ۴- حقوق کارگران نباید از ۱۸۰ هزار تومان کمتر باشد ۳ مورد دیگر از خواست کارگران که کارفرما حاضر به قبول آنها نشده است عبارتند از: - کارفرما هنگام بستن قرارداد نباید از کارگران ضمانت(سفته)

بخواهد

- قرارداد نباید سفید باشد

- ممنوعیت اخراج

- افزایش مدت قرارداد

همانطور که کارگران هم میدانند کارفرما بر بخشی از آنها که پاهای خیلی مهم هستند حرفی ندارد مثلاً می پذیرد که کارگران تشکل خودشان را داشته باشند، قراردادها در ۴ برگ تنظیم شود، حقوق کارگران از ۱۸۰ هزار تومان کمتر نباشد، کمیته انضباطی از طرف کارگران نظارت شود و ... مادر نافع مساله اصلی و کلیدی همان قرار داد های موقت است. کارفرما میدانند هر چیز دیگری را بپذیرد میتواند آنها را دقیقاً به دلیل همین موقت بودن کارگران از آنها بگیرد، میدانند یک ماه یا دو ماه آینده که موعد قرار داد طیب چتانی ها و بهزاد سهرابی ها تمام شد تشکل کارگری و ... هم را میتواند برای خود بدون مشکل کند. مساله اصلی قرارداد هاست، قرار داد سفید که خیلی بردگی است و از آن بالاتر دیگر به توان و قدرت نه تنها آنها بلکه دیگر هم طبقه ای

هایشان و قدرتی که آنها میتوانند پشت سر این کارگران بسیج کنند بستگی دارد. تا اینجا که رسیده اند باید همه آنها را در آغوش گرفت و بر استقامت و پیگیریشان درود فرستاد. اعتصاب کارگران کماکان ادامه دارد و در شکل های دیگری در جریان است. در روز بعد از حمله به کارگران و خانواده هایشان اتوماتیک خیلی ها میپرسند و می نویسند که اعتصاب شکست خورد، کارگران نتوانستند و قدرت نداشتند کارشان را تا به آخر برسانند، و بحث های شبیه این. یا اینکه بشینیم و ببینیم این تجربه چرا شکست خورد و کارگران پرریس نقاط قوت و ضعفشان در چه بود. شاید همه اینها لازم بیاید و بدون این هم نمیتوان تصور درستی پیدا کرد ولی محدود شدن سوالات ما به اینها خیلی ناقص خواهد بود نکاتی را مختصراً یادآوری میکنم. قبل از هر چیز باید گفت که بر چه اساسی اعتصاب تمام شده است. کارگران که سر کار

بمباران و کشتار مردم دامنه کوه قندیل، پرده دیگر از جنایت رژیم اسلامی!



عبدالله شریفی

را به بیمارستانهای رانیه و قلعه نزی منتقل کرده اند. همزمان بخش زیادی از مردم این منطقه ناچار به ترک خانه و کاشانه خود شده اند و آواره و سرگردان در معرض صدها مصیبت دیگر رها شده اند. این در حالی است که پیمان مشترک رژیم اسلامی ایران با دولت ترکیه تحت عنوان پاکسازی منطقه از نیروهای پ.ک.کا از هر طرف از مردم محروم این منطقه قربانی میگیرد.

در این رابطه یکی از مجلس نشینان مجلس اسلامی "نماینده سرشدت و پیرانشهر" محمد کریمیان از " ... همدستی نیروی اسلام با ژنرال های لائیک ارتش ترکیه در کشتار مردم مسلمان کرد ... شکوه و گلایه کرده است.

این خبر غم انگیز و این واقعه به ظاهر خنده دار بیان حقایق است قابل تامل، رژیم اسلامی برای ارباب و سرکوب و ایجاد اختناق بشدت به نظامی کردن جو و فضای جامعه دست زده است. این رژیم سراپا به بحران نشسته در مقابل موج عظیم مردم فلاکت زده و معترض قرار گرفته است. ایجاد فضای نظامی بر متن اوضاع جاری منطقه و جهان راه "چاره" و موهبتی است که هر جا به روشی به آن میپردازد. اعتصاب کارگران معترض را سرکوب میکند، مبارزه حق طلبانه زنان را با توحش جواب میدهد، بی آفتی و فقر و بیکاری جوانان را با

زندان و شکنجه جواب میدهد. با هر بهانه ای به مردم حمله میکند و لشکرکشی راه میبازد. هر انسانی که بهر درجه قلبش برای آزادی و زندگی هموعنش بطدید باید این سرکوب و توحش را محکوم کند و علیه آن به مقابله برخیزد، اما جار و جنجال مجلس اسلامی نه تهاربیطی به حال مردم کردستان ندارد بلکه خود دامن زدن به همین فضای جنگی است، اگر در این رابطه سوالی باشد این است که جایگاه شکوه نماینده مجلس اسلامی در این منظره چیست؟ قطعاً تلاش میکنند این مسله را در بوق کنند تا وسیعاً پخش شود. تا همه جناحها و دسته بندیهای درونی خود نیز متوجه دامنه عمل شوند، تا جامعه ایران را از این طریق مرعوبتر کنند. این بخشی از پروپاگاندا و فضای سازی جنگی است. فضای جنگی را با پروپاگاندا جنگی باید تکمیل کرد. واضح است نه رژیم اسلامی مایل است که غرولند ناراضیان مجلسش را در بوق کند و نه کسانی که خود مجری سیاست های جنایتکارانه این رژیمند ریطی به مردم و دل سوزانند به حال مردم دارند. رژیم اسلامی به عنوان بخشی از نیروی خود همیشه نیاز به اهرمهایی مانند بها ادب و فراکسیون کرد مجلس در جوار و حاشیه حاکمیت خود در رابطه با مسله کردستان داشته است، اگر کارشان نگرفته به این دلیل است که رژیم اسلامی

ایران در میان مردم کردستان هیچگاه جایگاهی جز نفرت و انزجار نداشته است. رژیم اسلامی ایران، کشتار و بمباران مردم منطقه کوه قندیل را آگاهانه انتخاب کرده است و هیاهوی حول آن را نیز آگاهانه منعکس میکند. مردمی که مورد اصابت توپ و کاتیوشای رژیم اسلامی واقع شدند، مردمی هستند که به ظاهر در کشور دیگری زندگی میکنند، این را حتی در قوانین جاری جهانی تجاوز نظامی اسم میگذارند. مسله کرد مسله واقعی و حل نشده است، مسله معلق و بی ثبات در منطقه است، کاتونی است که تا زمانیکه از طریق دخالت مستقیم مردم حل نشود، دولت اسلامی ایران و دول منطقه قصد ندارند از آن دست بردارند، اما واقعیت این است که این کار برای رژیم اسلامی متن اوضاع سیاسی کنونی چند خاصیت دیگر نیز دارد. رژیم اسلامی چند هدف را همزمان در این ماجرا تعقیب میکند. اولاً قصد دارد با این بهانه فضای نظامی بر بخش وسیعی از جامعه کردستان ایران را برقرار کند، ادامه همان سیاستی که در تهران و شهرهای دیگر به روشی دیگر دنبال میکند. دوماً در کنار آن به احزاب ناسیونالیست کرد که بخشی از سیاست آمریکا در عراق هستند زهر چشم نشان دهد و میگوید که اینها نه دولت هستند و نه حاضر است با قوانین دولت مجاور با آنها رفتار کند،

رژیم اسلامی ایران در ادامه سیاست نظامی کردن شهرها و مناطق مختلف در داخل کشور، نواحی مرزی کردستان را نیز به میدان کشتار مردم محروم آن نواحی مبدل کرده است. منتهی است که تمرکز نیروی نظامی رژیم اسلامی در مناطق مرزی کردستان، امنیت و زندگی را از مردم آن نواحی سلب کرده است. روزانه به بهانه حمله به نیروهای نظامی پ.ک.کا روستاها و مزارع دامنه کوه قندیل در کردستان عراق را بمباران میکند. طی چند روز گذشته روستاهای رابلکه، تنوره، میرگه سور، مزگوته، کانی شینکه، کانی خاتون، کانی رش، سوره دی و... مورد توپباران وحشیانه واقع شد و متأسفانه شماری از مردم این ناحیه کشته و شماری به مراتب بیشتر زخمی شدند. اخبار رسیده حاکی است که بیمارستان قندیل ظرفیت پذیرش زخمیها را نداشته و جمعی از مجروحین

میخواهد نشان دهد که دامنه نا امن کردن و غیر قابل کنترل و حکومت کردن، تنها به بغداد و بصره محدود نمیشود. قدر مسلم اینها هر هدفی داشته باشند واضح است که دارند برای به استیصال کشتاندن مردم زورشان را میزنند، دارند مردم را قربانی میکنند، دارند میکشند و سرکوب میکنند، حساسیت مسله از زاویه منافع مردم در این جا متمرکز میشود. مردم در مقابل نباید ساکت و منتظر بمانند. باید با دامن زدن به اعتراضات، با متحد شدن، به مقابله برخاست. اگر امروز مردم دامنه کوه قندیل قربانیان این جنایت هستند فردا میتوانند مردم شهرهای دیگر باشند. نباید فقر و فلاکت و کشتار را بیش از این تحمل کرد. باید به میدان آمد. باید مبارزات پراکنده و تحرکات روزانه را همبسته و سراسری کرد. باید مبارزه کارگر و زن و جوان جامعه را به هم وصل کرد و این خطر جدی این مانع جدی یعنی نظام اسلامی که سر راه سعادت مردم قرار دارد را با نیروی خود برداشت. مردم چاره ای جز تقابل مستقیم و روبرو ندارند برای اینکار باید متحد شد و باید آفق و پرچم مبارزه برای بر چیدن نظام اسلامی را بدست گرفت. برای دفاع از آینده و زندگی به میدان آمد، راه حل این است.

۲۸ اوت ۲۰۰۶

اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی

واحد 202 گارد آزادی در شهر مریوان

استقبال گرم و پر شور مردم بویژه جوانان این محله قرار گرفتند. نیروی مسلح گارد آزادی در ابتدای ورود خود به این محله، با جوانانی روبرو شدند که طبق روال معمول هر شب در محلات خود دور هم جمع میشوند و اوقاتی از فراغت خود را با همدیگر میگذرانند. این جوانان، در لحظات اول بمحض دیدن نیروی مسلح گارد آزادی با ناپاوری به آنان مینگردند سپس با نزدیک شدنشان به این نیرو و دریافت اطلاعیه های حزب حکمتیست و گارد آزادی از آنان،

طی 3 هفته اخیر، این دومین بار است که مردم شهر مریوان شاهد حضور قدرتمند نیروی مسلح خود گارد آزادی هستند و با شور و شوق فراوان از واحد 202 گارد آزادی در محله "کوره موسوی و "میدان بار" استقبال میکنند.

دیشب 24 مرداد ماه 1385 برابر با 22 اوت 2006، نیروی مسلح واحد 202 گارد آزادی با هوشیاری کامل و برقراری تامین امنیت، راس ساعت 9 و نیم بعد از ظهر وارد محله "کوره موسوی" در شهر مریوان شده و مورد

حکمتیست، بخاطر حضور قدرتمند و موفقیت آمیز واحد 202 گارد آزادی در شهر مریوان، صمیمانه نسبت این عزیزان را بگرمی میفشارد و به تک تک این پیام آوران آزادی و برابری درود میفرستد.

فرماندهی گارد آزادی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

عبدالله دارابی

23 اوت 2006

darabiabe@gmail.com

آنجا هم جوانان با شور و اشتیاق اطلاعیه های حزب حکمتیست و گارد آزادی را دریافت میکنند. در این میدان هم واحد 202 گارد آزادی به سئوالات جوانان در مورد گارد آزادی و چگونگی پیوستن به سرانجام بعد 45 دقیقه ماموریت موفقیت آمیز خودشان را به پایان می رسانند و همگی سالم و سرحال در میان شادی و خوشحالی حاضرین آنجا را هم به سمت مقصد از پیش تعیین شده ترک میکنند. خبر حضور مسلح و علنی واحد 202 گارد آزادی در این محلات به سرعت در سطح پیچیده و باعث شادی و خوشحالی مردم میشود. گارد آزادی و کمیته کردستان حزب

بلافاصله جو شادی و خوشحالی فضای محله را فرا میگیرد و هر لحظه بر تجمع جوانان نور نیروی گارد آزادی افزوده میشود. جوانان در مورد گارد آزادی و چگونگی پیوستن به آن از رفقای واحد 202 گارد آزادی سوال میکنند و تا آخرین لحظات حضور این نیرو در این محله، همچنان در کنار واحد گارد آزادی باقی میمانند و سرانجام آنان را در میان استقبال گرم خود بدرقه میکنند. ادامه این عملیات به "میدان بار" در همان نزدیکی ها ختم میشود که همانند محله "کوره موسوی" با استقبال گرم و صمیمانه جوانان و مردم حاضر در آنجا نیز روبرو میشوند و در

اعتصاب کارگران پریس...

باز نگشتند. و دارند کارشان را از طرق دیگر پیگیری میکنند. بعد اینکه مقصر آنها نیستند که اجازه ندادند اعتصاب را به همان شکلی که میخواستند پیش ببرند و سرها باید به جای کارگران به طرف جنایت‌های هارانی همچون اسفندیاری و مسئولین اداره کار و نیروهای امنیتی رژیم برگردانده شود. ظاهراً در اینگونه بحثها این "فرض" گرفته میشود به همین دلیل است که روز بعد از حمله به کارگران و در حالی هم که کارگران اعتصابشان را در شکل دیگری دارند دنبال میکنند، گفته میشود که اعتصابشان شکست خورد و برویم سراغ جمع‌بندی از کارگران. در حالی که دقیقاً در این روز باید با آغوش گرم به استقبال کارگران رفت برای آنها گل برد، به کمکشان شتافت به حمایت آنها بپردازیم و عملاً راه این عقب نشاندن را جبران کنیم و بیندیشیم که چکار باید کرد و بالاخره چگونه اهرم‌های مهمی و وزن‌های مهمی در این شهر را اگر به صدا در بیاوریم میتواند به کارگزاران اعتصابی کمک میکند. اینها را مانده تنها از بیرون و در نوشته‌ای دیگران که انتظاری بیش

از آنها نیست، بلکه در میان رفقای خودمان هم مشاهده میکنیم. راستش اینها همه سنت‌ها و رفتارهای غیر کارگری و غیر سوسیالیست‌اند انصاف کارگری و رفاقت کارگری کجاست؟ رفیق کارگر ما و خانواده اش بعد از یک حمله وحشیانه به خانه برگشته است و همکاران پیگیر و جسورشان در پی امید دادن و جمع شدن و تصمیم دوباره گرفتن است، رفیق ما و بیشتر از ما در بیرون ما و در میان مدافعان کارگران که تا امروز هم به دقت این اعتصابات را تعقیب کرده است و برای ارگراان آرزوی موفقیت داشته یکبار سر از سرزنش کردن و "جمع بندی" کردن "شکست" آنها سر در میاورند. چرا راستش اتوماتیک مانند کارگران پریس به جای داشتن زخم‌های این حمله وحشیانه، نگرانی‌های آنها و خانواده هایشان از همه چیز از بی نانی و تا امنیت جانی و آینده و ... و تا اینکه باز هم سراغ اتحادشان است را نمیگیریم؟ سنتها، رفتارها، فعالیت‌ها و درد‌ها متفاوتند.

این سوال را باید همه ما در برابر خود قرار بدهیم و منصفانه جناب بدهیم چه کسی مقصر است؟

ولی منصفانه چه کسی مقصر است اگر کارگران نتوانند به همه خواست‌هایشان برسند؟ و دیروز نساجی کردستان نرسید و روز دیگر شاهو نرسید و خبازان نرسیدند و ... چه کسی مقصر است مگر از ۵۰ و ۶۰ رفیق کارگر در کارخانه ای واقع در حاشیه شهر بیش از این باید قهرمانی دید؟ در درجه اول خود ما. تک تک ما. حزب ما و کمیته کردستان ما و کمیته سنندج ما و کمیته‌های کمونیستی و واحد‌های گارد ازادی و بعد تک تک فعالین کمونیست و سوسیالیست و همه کارگران دیگر و مراکز کارگیشان. چرا که توان ما اگر بیش از این بود لابد میتوانستیم ما کم کار فرما را خم میگردیم. دیروز کارگرا نساجی همین سوال را از ما و همه کارگران کردند، آنها هم امروز میگویند مگر در زمان اعتصاب ما پریس و کارخانه شیر و خبازان به یاری ما شتافتند؟ تولید شیر و پختن نان را قطع کردند و به حمایت از خواست‌های ما پردازند. میگویم ما مقصریم و در درجه اول حزب ما مقصر است چرا که هنوز کاری را که میتوانیم بکنیم نتوانسته ایم انجام بدهیم. قدرت کارگری و همبستگی و اعتراض کارگری در سنندج و شهرهای دیگر کردستان انقدر بالاست و

کارگران در سنندج یک پتانسیل قوی، راه چاره چیست؟

اسد کلچینی

۲۹ اوت ۲۰۰۶

امیره دادگستر قربانی ارتجاع و مردسالاری شد!

امیره دادگستر فرزند شیخ لطیف اهل روستای نجمار از توابع شهر مریوان، چند روز قبل توسط یکی از مرتجعین محلی و همکار رژیم اسلامی بنام شیخ حسین فرزند شیخ محمد نجمار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و به قتل میرسد.

امیره، قربانی اختلاف خانوادگی بین شیخ لطیف پدر امیره و شیخ حسین مرتجع و مزدور رژیم اسلامی میشود، او را میربایند، به او تجاوز میکنند و سپس بطور فجیعی او را به قتل میرسانند. بعد از یک هفته تا پدید شدن، سرانجام جسد بی جان و شکنجه شده او را پیدا میکنند. شیخ حسین یکی از مرتجعین محلی، برای انتقام از خانواده شیخ لطیف، امیره دختر جوان را هدف قرار میدهد. او را به دام انداخته و می رباید، بعد از اینکه یک هفته تمام او را مورد تجاوز جنسی و همزمان شکنجه قرار میدهد او را به قتل میرساند. بمحض پیدا شدن جسد، خانواده امیره از شیخ حسین شکایت کرده و او را دستگیر میکنند. هنگام تحقیقات، قاتل علاوه بر خودش ۳ نفر دیگر از مزدوران رژیم را بعنوان کسانی که در این جنایت او را یاری داده اند معرفی میکند. یکی از این سه نفر فردی به نام "هیوا تاب" از فرماندهان جنایتکار و با سابقه رژیم در مریوان میباشد.

مردم آزادیخواه مریوان!

ارتجاع و مردسالاری محصول حاکمیت جمهوری اسلامی است برای تحمیل جو رعب و وحشت به مردم و جامعه. روزی نیست که از این صحنه‌های دلخراش تکرار نشود. امیره دادگستر اولین و آخرین قربانی این وضعیت نخواهد بود. تا جمهوری اسلامی سرکار باشد، این فجایع نیز ادامه و گسترش خواهد یافت. نباید بی تفاوت در کنار این تجاوز و قتل عمد بگذرید. مجریان این جنایت هولناک و عریان فرماندهان و همکاران فعال رژیم اند که با اتکا به خود رژیم اینچنین آشکار و علنی به دختری جوان و بی دفاع تعرض کرده، ضمن تجاوز به او او را بقتل رسانده اند. دسته جمعی علیه این تجاوز آشکار اعتراض کنید. علیه جمهوری اسلامی و مزدوران جمهوری اسلامی و قوانین ضد زن و مردسالارانه حکومت اسلامی اعتراض کنید

کمیته شهر مریوان حزب حکمتیست

۲۸ اوت ۲۰۰۶

به کمیته کردستان حزب حکمتیست کمک مالی کنید،

کمک‌های مالی خود را از طریق ممکن بدست ما برسانید!

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com

Tel: 0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!